

نیلوفر حق شناس کاشانی
دکتر اصغر جعفری ولدانی



شهرشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرمال جامع علوم انسانی
طرح تغییر مسیر آروند رود
و

حقوق بین الملل





پڙهه ښکاره علوم انساني و مطالعات فرهنجی
پرتال جامع علوم انسانی



● مقدمه*

دولت عراق پس از برقراری آتش بس و آغاز مذاکرات صلح چندین بار اعلام کرده است که در نظر دارد جریان آب اروندرود را تغییر دهد. صدام حسین در جلسه‌ای با حضور گروهی از فرماندهان نظامی از جمله ژنرال عدنان خیرالله وزیر دفاع و وزیر صنایع این کشور، در اواخر شهریورماه ۱۳۶۷ گفت: «برای ما امکان دارد مسیر شط العرب (اروندرود) را تغییر دهیم».^۱ چند روز بعد نیز طه یاسین رمضان معاون نخست وزیر عراق در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی «القبس» اعلام کرد که کشورش قصد دارد مجرای شط العرب را به سوی سرزمین داخلی عراق منحرف کند تا راه آبی دوبندر خرمشهر و آبادان مسدود گردد. همچنین عصمت کتانی نماینده عراق در سازمان ملل گفت که اگر ایران و عراق

* این مقاله قبل از پذیرش مجدد عهدنامه ۱۹۷۵ توسط عراق تهیه شده است.

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۰ شهریور ۱۳۶۷.

در مورد اروندرود به توافق نرسند، عراق از آبراهی که در خاک خود حفر کرده است استفاده خواهد کرد. وی گفت این طرح هزینه‌های زیادی دربردارد و برای هر دو کشور ابلهانه است، زیرا انحراف آب به داخل آبراه جدید سطح آب را کاهش خواهد داد و استفاده از بنادر ایران غیرممکن خواهد شد. وی اضافه کرد اما اگر عراق ناچار شود، این کار را انجام خواهد داد.^۲

به موجب طرح مذکور، عراق در نظر دارد که اروندرود را حدود ۲۰ کیلومتر از مرز ایران دور کند و آن را به صورت یک رودخانه داخلی عراق درآورد. بطوریکه در نقشه ملاحظه می‌شود در غرب اروندرود، خورزبیر قرار دارد که از خلیج فارس شروع می‌شود و تا نزدیکیهای بندر بصره در شمال پیش می‌رود. عراقیها برای مرتبط کردن این خور با بندر بصره آبراهی به عرض ۸ متر و عمق ۲۵ پا حفر کرده‌اند. در کنار این خور، بندر کوچک زبیر قرار دارد. طبق طرح مذکور عراقیها در نظر دارند آبراه مذکور را توسعه داده، آن را جایگزین اروندرود کنند. همچنین به موجب این طرح عراقیها در نظر دارند بندر زبیر را نیز توسعه داده، آن را به بندر اصلی خود تبدیل کنند. در حال حاضر کشتیهای کوچک تا ظرفیت ۲۰ هزار تن در این ترعه رفت و آمد می‌کنند. عراق پس از برقراری آتش بس شروع به صدور نفت خود از طریق این آبراه نموده است. کشتیهای کوچک برای بارگیری نفت وارد بندر زبیر می‌شوند و پس از بارگیری، محموله‌های خود را به نفتکشهای بزرگ که قادر به حرکت در خورزبیر نیستند در خلیج فارس تحویل می‌دهند.

در این مقاله ابتدا مشکلات مربوط به اجرای طرح مذکور و هدف عراق از اجرای آن بررسی خواهد شد. سپس مغایرت طرح عراق با عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ و پروتکل مربوط به تعیین مرز رودخانه‌ای بین ایران و عراق منضم به عهدنامه مذکور مورد بحث قرار

۲. رادیویی. بی. سی.، موزخ ۵ آبان‌ماه ۱۳۶۷.



مشکلات اجرای طرح عراق و اهداف آن

به نظر می‌رسد که اجرای طرح عراق برای تغییر مسیر اروندرود نه تنها مشکلی را برای آن کشور از نظر کشتیرانی و دسترسی به خلیج فارس حل نخواهد کرد، بلکه به نوبه خود مشکلات دیگری به وجود خواهد آورد. در زیر به برخی از مهمترین این مشکلات اشاره خواهد شد:

۱. شیب زمین در ناحیه مورد بحث بسیار کم است. بنابراین اگر عراق بخواهد مسیر آبراه را تغییر دهد باید ساحل سازی زیادی در اطراف آن صورت گیرد که هر یک از این ساحل سازیها هزینه های بسیار سنگینی برای عراق دربردارد. از نظر زمین شناسی هم باید در نظر گرفت که ناحیه اروندرود دارای خاک رس بسیار سنگین است و کار کردن در آن بسیار مشکل.^۳

۳. روزنامه کیهان، ۲۶ مهرماه ۱۳۶۷.

۳. آبراه جدید همان مشکلات اروندرود را از قبیل کمی عمق آب خواهد داشت و به همین سبب رفت و آمد نفتکشها و کشتیهای بزرگ در آن امکان پذیر نخواهد بود. حتی در صورت لایروبی اروندرود نیز عبور کشتیهای بیش از ۲۰ هزار تن ممکن نخواهد بود. هزینه لایروبی اروندرود بسیار سنگین و تقریباً برابر هزینه احداث آبراه جدید است. با شروع جنگ عراق علیه ایران تعداد زیادی از کشتیهای که در بنادر اروندرود لنگر انداخته بودند مورد حمله قرار گرفتند و غرق شدند. علاوه بر آن سالانه حدود ۳۵ میلیون تن رسوبات وارد اروندرود می شود و در صورتی که به طور مداوم لایروبی نشود، این رسوبات آن را غیرقابل کشتیرانی می کند.

از طرف دیگر، آبراه جدید با کمی آب نیز مواجه خواهد بود، زیرا بیش از نیمی از آب اروندرود به تنهایی از ایران تأمین می شود. در این میان، رود کارون بزرگترین رود ایران از نظر حجم آب است که به اروندرود می ریزد. جمع آب دجله و فرات در «قره» برابر ۱۵۰۰

مترمکعب در ثانیه و مقدار آب کارون که به اروندرود می‌ریزد برابر ۸۰۰ مترمکعب در ثانیه است.^۵ بنابراین در صورت تغییر مسیر اروندرود، آب رودخانه کارون دیگر وارد آبراه جدید نخواهد شد.

۴. احداث مسیر جدید نه تنها از مشکلات موجود بین عراق و کویت کم نخواهد کرد، بلکه بر آن خواهد افزود. انتهای آبراه جدید و یا مصب آن به آبهای تحت حاکمیت کویت ختم می‌شود و کشتیهای عراقی باید برای ورود به خلیج فارس از آبهای کویت بگذرند. کشتیهای که به بندر ام‌القصر که در انتهای این آبراه واقع شده است، رفت و آمد می‌کنند در حال حاضر با این مشکل روبرو هستند. بندر ام‌القصر عراق را جزایر وره و بوبیان کویت احاطه کرده است. دولت عراق بارها اعلام کرده که این وضع موجب عدم دسترسی آزادانه عراق به خلیج فارس می‌گردد، و به همین جهت خواستار آن بوده است که کویت جزایر مذکور را به عراق واگذار کند و یا به آن کشور به صورت ۹۹ ساله اجاره دهد. عراق گاهی نیز خواستار آن بوده است که کویت چهار کیلومتر از غرب جزایر وره و بوبیان را که در کنار خور صبیبه واقع شده به عراق واگذار کند؛ اما دولت کویت علی‌رغم فشارهای زیاد عراق تاکنون با درخواستهای مذکور موافقت نکرده و مشکل عدم دسترسی آزادانه عراق به آبهای خلیج فارس همچنان برجای مانده است. در صورت احداث آبراه جدید مسلماً بر فشارهای عراق به کویت افزوده خواهد شد و این امر در روابط دو کشور مشکلاتی پدید خواهد آورد، بویژه که مسئله درخواست کویت از عراق مبنی بر تأمین آب شیرین مورد نیاز آن کشور با احداث آبراه جدید جامعه عمل خواهد پوشید. کویت سالها است که از عراق

۵. سرهنگ مهندس علی دانشور: شناخت اروندرود از نظر جغرافیای طبیعی، سازمان جغرافیایی کشور، ۱۳۵۲، ص ۱۵.

۶. رک. به اصغر جعفری ولدانی: «اختلافات عراق با کویت و سوریه»، بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۴، ۱۵ آذر ۱۳۶۷، ص ۱۷ و ۱۸.

درخواست احداث یک خط لوله انتقال آب شیرین از اروندرود به خاک خود داشته است؛ اما دولت عراق این امر را موکول به اعطای امتیازات ارضی از جمله واگذاری جزایر وربه و بوییان به آن کشور کرده است. کویت در حال حاضر همچنان در ردّه درخواستهای عراق مصرّ است و بنابراین با توجه به برآورده شدن تقاضای قدیمی خود از طرف عراق، در تنگناهای بیشتری قرار خواهد گرفت.

۵. با ساخته شدن کشتیهای بزرگ با ظرفیت بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن و نیز ظهور نفتکشهای غول‌پیکر، اصولاً عراق نیاز شدیدی به اروندرود و یا احداث آبراه جدید ندارد، زیرا کشتیهای بزرگ نه در اروندرود می‌توانند رفت و آمد کنند و نه در آبراه جدید. سالها است که اروندرود اهمیت گذشته خود را از نظر بازرگانی و صدور نفت برای عراق از دست داده است. در حال حاضر، نفت عراق به‌طور عمده از طریق چند خط لوله از خاک ترکیه و عربستان و مقداری هم از طریق بندر زبیر صادر می‌گردد. بیشتر کالاهای مورد نیاز عراق نیز از راه‌های ترانزیت برخی از کشورهای همسایه وارد می‌شود. بنابراین ایجاد آبراه جدید به‌منظور جایگزینی اروندرود نه تنها از نظر اقتصادی فاقد اهمیت است بلکه به گفته نماینده عراق اقدامی است ابلهانه. به‌طور کلی عراق از نظر اقتصادی وابستگی به اروندرود ندارد و هدف آن از تغییر مسیر این آبراه صرفاً سیاسی است.

به نظر می‌رسد که هدف عراق از طرح تغییر جریان آب اروندرود با توجه به زمان ارائه این طرح (مذاکرات صلح ایران و عراق) بیشتر به‌منظور تحت فشار قرارداد دادن ایران است تا به این طریق ایران با اعطای حق حاکمیت مطلق عراق بر این آبراه بین‌المللی موافقت نماید. به عبارت دیگر، دولت عراق با طرح مسئله مذکور قصد به‌دست آوردن امتیاز دارد و می‌خواهد آنچه را که در مدت هشت سال جنگ نتوانسته است به دست آورد، اکنون در مذاکرات صلح به‌دست آورد.

از طرف دیگر، دولت عراق می‌خواهد با انجام این طرح خود را از تنگناهایی که در آن قرار گرفته است رهایی بخشد. مقامات عراقی قبل از شروع جنگ بکرات ادعای حاکمیت مطلق بر اروندرود را نمودند و برای تحقق این امر، عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ را به طور یکجانبه لغو و تجاوز خود را به جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند. اکنون مقامات عراقی باید پس از هشت سال جنگ پاسخ قانع‌کننده‌ای برای مردم خود و جهان عرب داشته باشند.



مغایرت طرح تغییر مسیر اروندرود با عهدنامه ۱۹۷۵

طرح دولت عراق برای تغییر مسیر اروندرود ناقض عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ بین ایران و عراق می‌باشد. بدیهی است لغو یکجانبه عهدنامه مذکور توسط دولت عراق در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ به هیچوجه از نظر دولت ایران قابل قبول نیست و مقامات مسئول ایران بارها بر اعتبار عهدنامه فوق و سه پروتکل منضم به آن و چهار موافقتنامه تکمیلی تأکید کرده‌اند. همچنین جنگ تحمیلی هیچگونه تأثیری بر اعتبار عهدنامه مذکور ندارد. از طرف دیگر، حقوق بین‌الملل نیز لغو یکجانبه عهدنامه‌های مرزی را تحت هیچ عنوان مجاز نمی‌داند. دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه اختلاف پره‌ویهر^۷ بین کامبوج و تایلند در ۱۵ ژوئن ۱۹۶۲ اعلام نمود:

«به طور کلی وقتی دو کشور، مرزی را بین خود تعیین می‌کنند، یکی از هدفهای اولیه آنها رسیدن به ثبات و قطعیت است. حال اگر بتوان در مورد مرزی که به این ترتیب تعیین می‌شود، هر لحظه تردید کرد و هر وقت اشتباهی در یکی از مواد معاهده کشف گردید خواهان تغییر آن شد، در این صورت، رسیدن به هدف مذکور غیرممکن است.»^۸

به موجب بند ۲ ماده ۶۲ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات نیز عهدنامه‌های مرزی را به هیچ عنوان نمی‌توان لغو کرد. بنابراین عهدنامه ۱۹۷۵ همچنان از نظر دولت ایران و طبق اصول و مقررات حقوق بین الملل معتبر است.

عهدنامه ۱۹۷۵ تغییر یکجانبه مسیر اروندرود را به هیچوجه مجاز نمی‌داند. ماده ۵ عهدنامه مذکور بصراحت اعلام می‌دارد:

«در قالب غیرقابل تغییر بودن مرزها و احترام کامل به تمامیت ارضی دو دولت، طرفین متعهدین تأیید می‌نمایند که خط مرز زمینی و رودخانه‌ای آنان لا یتغیر، دائمی و قطعی می‌باشد.»

به موجب بند ۲ ماده ۲ پروتکل مربوط به تعیین مرز رودخانه‌ای بین ایران و عراق که منضم به عهدنامه ۱۹۷۵ می‌باشد، خط مرزی در اروندرود فقط در یک مورد می‌تواند تغییر پیدا کند و آن در اثر تغییرات ناشی از علل طبیعی در مسیر اصلی قابل کشتیرانی خواهد بود. زیرا آب اروندرود در بهار بالا می‌آید و ۱۰ کیلومتر در خاک دو کشور پیش می‌رود و این موجب تغییر مرز می‌شود. به موجب بند ۵ ماده ۲ پروتکل مذکور، طرفین متعهدند که در صورت تغییر مرز به علل طبیعی مذکور خط مرزی دو کشور را به هزینه طرفین به بستری که در سال ۱۹۷۵ (بستر اصلی) داشته است برگردانند.

۸. اصغر جمفری ولدانی: بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۷، ص ۵۱۳ و ۵۱۴.

به موجب پروتکل مذکور تغییر مصنوعی مرزدو کشور در
اروندروود به هیچوجه امکان ندارد مگر اینکه دو کشور در این مورد یک
موافقتنامه خاص منعقد نمایند. بند ۲ ماده ۲ پروتکل فوق الذکر بصراحت
اعلام می دارد:

«خط مرزی به نحوی که در بند ۱ فوق تعریف شده با تغییرات
ناشی از علل طبیعی در کانال اصلی قابل کشتیرانی تغییر خواهد
نمود. خط مرزی بر اثر تغییرات دیگر تغییر نخواهد کرد مگر آنکه
طرفین متعاهدین موافقتنامه خاصی برای این منظور منعقد نمایند.»^۹

بنابراین به موجب پروتکل مذکور اولاً هرگونه تغییر مصنوعی در
مسیر یا بستر رودخانه باید با توافق و به طور مشترک انجام گیرد؛ ثانیاً
تغییرات مصنوعی مورد بحث در چارچوبی بسیار محدود - حداکثر به
بازگرداندن مسیر جدید به بستر اصلی - پیش بینی شده است. لذا شکی
نیست که طرح عراق برای تغییر مسیر اروندرود مخالف صریح مفاد
عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ می باشد.^{۱۰}

البته دولت عراق ادعا می کند که ایجاد آبراه جدید به مفهوم تغییر
مسیر اروندرود، و یا به عبارت بهتر، تغییر مرز ایران و عراق نیست و خط
تالوگ در اروندرود همچنان مرزدو کشور خواهد بود؛ اما از آنجا که
دولت عراق اعلام کرده است که اگر ایران با حاکمیت مطلق عراق بر
اروندروود موافقت نکند، طرح مذکور را به مورد اجرا خواهد گذارد،
بنابراین هدف واقعی عراق از این امر، تغییر مرز می باشد. گذشته از آن،

۹. در بند ۱ ماده ۲ پروتکل مربوط به تعیین مرز رودخانه ای بین ایران و عراق آمده است:
«خط مرزی در شط العرب از نقطه ای که مرز زمینی بین ایران و عراق به شط العرب
می رسد تا دریا مسیر خط تالوگ یعنی خط میانه کانال اصلی قابل کشتیرانی در
بائین ترین سطح قابلیت کشتیرانی را طی می کند.»

۱۰. دکتر داود حرمداس باوند: «تغییر مسیر اروندرود و چگونگی ارتباط آن با اجرای
قطعنامه ۵۹۸»، بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، شماره ۲۳، ۱۵ آبان ۱۳۶۷، ص ۶ و

طرح عراق برای انحراف آبهای اروندرود با اصول و مقررات حقوق بین‌الملل نیز مغایرت دارد.



طرح تغییر مسیر اروندرود ناقض حقوق بین‌الملل

اروندرود، رود بزرگی است که از به هم پیوستن دو رود دجله و فرات در محلی به نام «قرفه» تشکیل می‌شود و پس از عبور از بصره، در محلّ نهرخین در جنوب شلمچه به مرز ایران می‌رسد. از اینجا تا خلیج فارس اروندرود به طول ۸۱ کیلومتر مرز مشترک ایران و عراق را تشکیل می‌دهد. بنابراین اروندرود یک رودخانه بین‌المللی است و مقررات حقوق بین‌الملل بر آن حاکم است. طبق ماده ۳۳ قرارداد ورسای، رودخانه بین‌المللی عبارت از رودخانه‌ای است که قابل کشتیرانی باشد و حداقل دو کشور از طریق آن با آبهای آزاد ارتباط داشته باشند. اروندرود نیز قابل کشتیرانی است و ارتباط دو کشور ایران و عراق را با دریای آزاد برقرار می‌کند.

اصول و مقررات حقوق بین‌الملل تغییر مسیر رودخانه‌های بین‌المللی را منع کرده است؛ بنابراین طرح عراق برای انحراف مسیر اروندرود با اصول و مقررات حقوق بین‌الملل نیز مغایرت دارد. برای بررسی موضع حقوق بین‌الملل در مورد تغییر مسیر رودها باید صلاحیت ارضی کشوری که رود از سرزمین آن می‌گذرد و نیز استفاده سایر کشورهای ساحلی یک رودخانه بین‌المللی را مورد توجه قرار داد. در این رابطه، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا صلاحیت هر دولتی در استفاده از آبهای جاری در سرزمین خود به نحو مطلق است یا این صلاحیت حدودی

دارد؟ به عبارت دیگر، آیا دولت‌ها می‌توانند در مورد رودخانه‌های بین‌المللی هر اقدامی که خواستند انجام دهند بدون اینکه نتایج اقدامات خود را نسبت به سایر دولتهای ساحلی رودخانه در نظر بگیرند؟ یعنی آیا یک دولت ساحلی می‌تواند با انجام اقدامات خود به دولتهای ساحلی دیگر خسارت وارد کند بدون اینکه مکلف به جبران خسارت وارده باشد؟ برای پاسخ دادن به این سؤال باید عقاید علمای حقوق بین‌الملل، رویه قضائی بین‌المللی و تصمیمات متخذه در کنفرانسهای بین‌المللی را مورد بررسی قرار داد.

عقاید علمای حقوق بین‌الملل

عقاید علمای حقوق بین‌الملل در مورد صلاحیت دولتها نسبت به رودخانه‌های بین‌المللی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

- اصل حاکمیت سرزمینی مطلق.^{۱۱}
- اصل تمامیت ارضی مطلق.^{۱۲}
- اصل استفاده مشترک از آبها.^{۱۳}
- اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها.^{۱۴}

● الف. اصل حاکمیت سرزمینی مطلق:

به موجب این اصل، آن قسمت از رود بین‌المللی که در سرزمین دو کشور جریان دارد به عنوان آبهای داخلی تلقی می‌شود و دولت مذکور می‌تواند جریان آب را منحرف سازد و یا به هر صورت که ضروری بداند در رودخانه دخالت نماید. هایتن در این مورد می‌گوید:

11. The Principle of absolute Territorial Sovereignty.
12. The Principle of absolute Territorial integrity
13. The Principle of a Community in Waters
14. The Principle of Restricting the Free use of the Waters

«هریک از کشورهای ساحلی رودخانه می‌توانند جهت بهره‌برداری از آب رودخانه به تنهایی جریان آب رودخانه را منحرف کنند.»^{۱۵}

اصل حاکمیت مطلق که به «دکترین هارمون» نیز معروف است در روابط بین دولتها ایجاد هرج و مرج می‌کند. علاوه بر آن، اصل مذکور برخلاف عدالت و انصاف می‌باشد و به همین جهت توسط حقوقدانان مورد انتقاد قرار گرفته است. به عنوان مثال، فوشیل به تفصیل این مسئله را مورد بررسی قرار داده و تأکید نموده است که کشور ساحلی رودخانه نمی‌تواند به اقدامی مبادرت کند که منجر به تغییر مسیر رود گردد و یا در جریان آزاد آب رودخانه مانعی به وجود آورد. وی در این مورد می‌گوید:

«هیچ کشور ساحلی نمی‌تواند محلّ ورود رود را به سرزمین کشور ساحلی دیگر، بدون رضای آن کشور تغییر دهد. چنین امری به منزله تغییر سرزمین آن کشور است.»

لوترباخت نیز همین نظر را دارد و هرچند حقوق حاکمیت هر کشور را در حوزه رودخانه در داخل سرزمین خود تأیید می‌نماید لکن هرگونه اقدامی را که موجب وارد شدن خسارت به کشورهای ساحلی دیگر رودخانه گردد، غیرقانونی می‌شمارد. لوترباخت در این مورد بصراحت اظهار می‌دارد:

«جریان رودهای بین‌المللی تحت تسلط و اختیار دلخواه هیچیک از دولتهای ساحلی رودخانه نیست و براساس اصول حقوق بین‌الملل، هیچ دولتی اجازه ندارد که وضع طبیعی سرزمین خود را به زیان وضع طبیعی سرزمین دولت همسایه تغییر دهد. به این دلیل، دولتها نه فقط از متوقف ساختن یا تغییر دادن مسیر رودی که از سرزمین آنها به اراضی دولت همسایه جاری است مجاز نیستند، بلکه استقاده از

15. Carretson, A.H. Hayton, R.D. Olmstead, C.Y. eds: The Law of Int'l Drainage Basins, (N.Y. University School of law, 1967, p. 24).

آب آن به نحوی که برای دولت همجوار زیان داشته باشد یا مانع بهره‌برداری از رودخانه گردد، غیرقانونی است.»^{۱۶}

به‌طورکلی در حال حاضر اصل حاکمیت مطلق یک کشور بر روی رودخانه توسط اندیشمندان حقوق بین‌الملل و دولتها رد شده است. امروزه اصول و مقررات حقوق بین‌الملل وجود چنین حقی را که کشوری بتواند وضع طبیعی سرزمین خود را به زیان کشور دیگر تغییر دهد نفی می‌کند. به موجب اصول حقوق بین‌الملل هیچ کشوری نباید جریان طبیعی آب رودخانه‌ای را که برحسب طبیعت از سرزمین او به سرزمین کشور دیگری جاری است، متوقف یا منحرف سازد و نباید به نحوی که موجب اضرار کشور همجوار گردد از آن استفاده کند یا او را از استفاده معمول از آن رودخانه در سرزمین خود باز دارد. دولتها نیز در موارد مختلف با قراردادهائی که میان خود منعقد کرده‌اند، اصول مذکور را در عمل پذیرفته‌اند.

• ب. اصل تمامیت ارضی مطلق:

به موجب این اصل، دول ساحلی رودخانه‌ها موظفند که اجازه دهند جریان طبیعی آب رودخانه‌ها ادامه یابد و به هیچوجه حق ندارند موجبات انحراف آب رودخانه‌ها را فراهم نمایند. ماکس هوبر و اوپنهایم از طرفداران این اصل هستند. اوپنهایم در این مورد می‌نویسد:

«تغییر دادن جریان آبهای مشترک تحت اختیار یکی از دول مجاور آب نیست. زیرا این یک قاعده بین‌المللی است که هیچ دولتی نمی‌تواند وضع طبیعی کشور خود را به نحوی تغییر دهد که موجب زیان کشور مجاور گردد؛ مثلاً جریان آب رودخانه‌ای را که در کشور همسایه جریان دارد متوقف و یا منحرف نماید.»^{۱۷}

16. Oppenheim L.: Int'l Law, Vol. 1 (Pearce). H. Lauter Pacht (London, 1955) p. 474.

۱۷. همان مأخذ، ص ۴۷۵. همچنین رک. به منوچهر گنجی: حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۲۵۲.

ماکس هوبر نیز با او پنهانیم هم عقیده است و به دولتهائی که به اتکای حاکمیت مطلق بر سرزمین خود به منافع سایر دولتها زیان وارد می‌کنند تاخته است. به نظر وی هرگونه تغییر مسیر رودها که به حقوق مکتسبه دول دیگر زیان وارد نماید، غیرقانونی است.

● ج. اصل استفاده مشترک از آبها:

به موجب این اصل، کشورهائی که در ساحل یک رودخانه بین‌المللی واقع شده‌اند نسبت به آن رودخانه دارای حق حاکمیت مشترک هستند. به عبارت دیگر، تمام کشورهای مذکور می‌توانند از آب رودخانه به طور متساوی استفاده کنند.^{۱۸} براساس اصل مذکور، یک رودخانه بین‌المللی - بدون توجه به مرزهای مابین کشورها - یک واحد اقتصادی محسوب می‌گردد و آب آن متعلق به تمام کشورهای ساحلی است.^{۱۹}

مریگ ناک^{۲۰} در این مورد می‌گوید که وقتی رودی بین‌المللی از سرزمین چند کشور می‌گذرد، تابع حقوق مالکیت و حاکمیت کشورهای مذکور است و هر کشوری در اعمال حقوق خود، باید حقوق سایر کشورها را نیز در نظر داشته باشند.

● د. اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها:

به موجب این اصل، حاکمیت هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه با توجه به وظایفی که آنها طبق حقوق بین‌الملل به عهده دارند، محدود است. به عبارت دیگر، حاکمیت هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه محدود به وارد نکردن خسارت به کشور ساحلی دیگر است. اسمیت حقوقدان انگلیسی که تحقیقات گسترده‌ای در این مورد انجام

18. Cheshire: The Law of Real Property, London- Butter Worth, 1962, p. 293.

19. Carreston, op. cit. p. 18.

20. Merig Nhac

داده معتقد است که حاکمیت و صلاحیت ملل محدود به وارد نیابردن خسارت می باشد. وی اظهار می دارد که هیچیک از دول ساحلی رودخانه حق ندارند از آب رودخانه بدون مشورت با دول مجاور به طریقی استفاده کنند که موجب وارد آمدن خسارت به منافع قانونی دول مذکور گردد.^{۲۱}

کاراندوری^{۲۲} یکی دیگر از حقوقدانان معتقد است که دولتها هیچگونه دخالتی در پیدایش رودها نداشته اند و بنابراین نمی توانند بر آن حاکمیت مطلق داشته باشند و با تغییر مسیر آن موجبات وارد آوردن ضرر و خسارت به دول دیگر را فراهم آورند.

امروزه اصل محدودیت استفاده آزاد از آنها به عنوان یک اصل کلی حقوقی و یک واقعیت جهان کنونی پذیرفته شده است. بررسی قراردادهای بین المللی، عقاید علمای حقوق بین الملل، احکام دادگاه های بین المللی و تصمیمات متخذه توسط سازمانهای بین المللی بیانگر آن است که دولتها دیگر به هیچوجه اصل حاکمیت ارضی مطلق را قبول ندارند و در مورد رودخانه های بین المللی براساس اصل محدودیت استفاده از آنها رفتار می کنند. در قسمتهای بعدی، احکام صادره از دادگاه های بین المللی و تصمیمات متخذه توسط سازمانهای بین المللی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

رویه های قضائی

• رویه های قضائی داخلی:

گرچه رودهایی که از دو یا چند ایالت یک کشور می گذرند در زمره رودهای بین المللی محسوب نمی شوند، لکن با توجه به اینکه آراء صادر از محاکم داخلی مشابه با آراء قضائی بین المللی است، اشاره

21. Smithe H. A.: The Economic use of the Int'l River, London, king, 1951, p. 159.

22. Carathodory

مختصری به آراء مذکور بی‌فایده نخواهد بود بویژه که این آراء در تصمیمات سازمانهای بین‌المللی بی‌تأثیر نبوده است. در اینجا به چند رأی صادر از دادگاه عالی فدرال سوئیس، دیوان عالی ایالات متحده آمریکا و دیوان عالی آلمان اشاره خواهیم کرد.

شاید یکی از نخستین آرائی که در مورد انحراف آب رودخانه‌ها در کشورهای اروپائی صادر شده است مربوط به کشور سوئیس باشد. دادگاه عالی فدرال سوئیس در اختلافی که بین کانتون زوریخ و کانتون شاف‌هازن — دو کانتون از کشور سوئیس — در این مورد به وجود آمده بود، طی رأی مورخ ۱۲ ژانویه ۱۸۷۸ خود انحراف آب رودخانه‌ها را غیرقانونی اعلام نموده است.

اما در این مورد آراء صادره از دیوان عالی ایالات متحده آمریکا بسیار جالب توجه است. دعوای ایالت کانزاس علیه ایالت کلورادو که در سال ۱۹۰۱ در دیوان عالی ایالات متحده آمریکا مطرح شد، نخستین دعوی در مورد انحراف آب رودخانه‌ها در ایالات متحده آمریکا بود که در دیوان مذکور مورد رسیدگی قرار گرفت. مورد اختلاف مربوط به رودخانه آرکانزاس بود که بین دو ایالت مذکور جریان دارد. ایالت کانزاس به طرفیت ایالت کلورادو در مورد انحراف آب رودخانه آرکانزاس به دیوان عالی ایالات متحده آمریکا شکایت کرد. دادگاه در سال ۱۹۰۷ اعلام نمود که اصل تساوی حقوق و انصاف بین دو ایالت «آنها را از دخالت در جریان آب رودخانه بازمی‌دارد». ۲۳ این رأی در حقوق بین‌الملل به صورت سابقه درآمده و در موارد بسیاری توسط حقوقدانان مورد استناد قرار گرفته است. ۲۴

همچنین دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در اختلاف بین و یومینگ ۲۵ و کلورادو — دو ایالات از ایالات متحده آمریکا — در سال

23. Green. H. HackWarth: Digest of Int'l Law, Washington, 1940, Vol. I p. 580-81.

24. Majd khadravi: Major Middle Eastern Problems in Int'l Law, Washington, 1975, p. 109.

25. Wyoming

۱۹۲۲ اعلام کرد:

«ادعای ایالت کلورادو مبنی بر اینکه حق دارد با توجه به اینکه یک ایالت به شمار می‌رود، بنا بر تشخیص خود و بدون توجه به زیانی که در نتیجه اعمال خود متوجه دیگران می‌شود، آبهای را که در سرزمینش جاری است تغییر مسیر دهد و از آن بهره‌برداری کند، مسموع نیست.»

رأی مذکور در دعوای ایالات کانکتیکوت^{۲۶} به طرفیت ماساچوست در سال ۱۹۳۰ و در بسیاری موارد دیگر مورد استناد قرار گرفته و امروزه به صورت یک قاعده حقوق بین الملل مورد پذیرش عموم واقع شده است.^{۲۷}

مسئله انحراف آب رودخانه‌ها در دیوان عالی آلمان نیز مطرح شده است. دیوان عالی آلمان در سال ۱۹۲۷ در دعوای بین ایالت ورتمبرگ^{۲۸} بر ایالت بادن - دو ایالت از جمهوری آلمان - در مورد انحرافی که در مورد جریان آب رودخانه توسط ایالت بادن صورت گرفته بود، اعلام کرد:

«دولتها باید به جریان طبیعی آب تن در دهند و هر دولت ساحلی وظیفه دارد که منافع سایر دولتها را مراعات نماید و به آنها زیانی وارد نکند.»^{۲۹}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقاله جامع علوم انسانی

● رویه قضائی بین المللی:

دولت آلمان در نامه‌ای به وزرای مختار خود در لندن و پاریس

در سال ۱۸۶۲ در مورد رودخانه موز^{۳۰} می‌نویسد:

26. Connecticut

27. James Simsarian: The Diversion of Waters Affecting the United States and Canada, American Journal of Int'l Law, Vol. 32, 1958, pp. 488-518.

28. Wurttemberg

29. Carretson, op. cit. p. 19.

30. Meuse

«این رودخانه بین هلند و بلژیک مشترک است و هر یک از دولتهای مذکور در بهره‌برداری از آب این رودخانه حق دارد، اما در این مورد هر دو دولت موظفند از انجام اقداماتی که موجب زیان به دولت دیگر گردد، اجتناب کنند.»^{۳۱}

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی نیز در مورد انشعاب آبهای رودخانه موز در رأی مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۳۷ خود، مداخلاتی را که در مورد انشعاب آبهای رودخانه مذکور بدون موافقت دولتین بلژیک و هلند صورت گرفته بود، غیرقانونی اعلام کرد. رود موز از فرانسه سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از کشورهای هلند و بلژیک، به دریای شمال می‌ریزد.

همچنین دیوان عالی آلمان در اختلاف مربوط به رود دانوب در رأی مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۲۷ خاطر نشان نمود که هیچ دولتی حق ندارد با استفاده از آبهای یک مجرای طبیعی آب، به منافع دولت دیگر زیان و خسارت وارد سازد.

به‌طورکلی رویه قضائی بین‌المللی، دو اصل اساسی زیر را در مورد تغییر مسیر رودخانه‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار داده است:

۱. هیچ دولتی حق ندارد در سرزمین خود، بدون مشورت با دولتهای دیگر و بدون مذاکره با آنها برای یافتن راه‌حلهای معقول، اقدام به تغییر مسیر رودها نماید.

۲. هر دولتی که به نحوی در جریان آب رودخانه دخالت کند و سبب وارد شدن خسارت به دولت دیگر شود، مسئول خسارات وارده خواهد بود.

31. Carretson, op. cit. p. 25.

تصمیمات متخذه در نهادها و کنفرانسهای بین المللی

• انستیتوی حقوق بین الملل:

این انستیتو در مورد محدودیت حق حاکمیت کشورها بر آب رودخانه‌های بین المللی تأکید نموده و معتقد است که هیچ دولتی نمی‌تواند بدون جلب موافقت دولت یا دولتهائی که در استفاده از آب رودخانه سهم هستند، مسیر رود را تغییر دهد و موجب وارد شدن خسارت به دول ساحلی دیگر شود. انستیتوی مذکور در اجلاس سال ۱۹۱۱ خود در مادرید تصریح نمود:

«هیچ دولتی نمی‌تواند بدون جلب رضایت دولت دیگر و بدون کسب مجوز قانونی مخصوص و معتبر توسط شرکتها یا اشخاص، تغییراتی در رودخانه به وجود آورد و یا از انجام چنین اقداماتی جلوگیری نکند و سبب وارد شدن خسارت به دولت دیگر گردد. هیچ دولتی حق ندارد به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط اشخاص یا شرکتها در سرزمین خود به نحوی از آب رودخانه بهره‌برداری کند که به بهره‌برداری مستقیم یا غیرمستقیم دولتهای دیگر زیان برساند.»^{۳۲}

این مؤسسه همچنین می‌افزاید:

«بستر رودخانه که در مرزهای دو کشور جاری است، چه طبیعی باشد و چه در زمانی غیرمعلوم ایجاد شده باشد، بوسیله سازمانهای هیچیک از دو دولت، بدون جلب رضایت دیگری، قابل تغییر نیست.»^{۳۳}

انستیتوی حقوق بین الملل همچنین در کنفرانس سالزبورگ طرحی در مورد «بهره‌برداری غیرکشتیرانی از آبهای بین المللی» در سال ۱۹۶۱ ارائه کرد که در ماده ۴ آن گفته شده است: بهره‌برداری دول

32. Institute of Int'l Law, Yearbook, 1911. Vol. 24, p. 365.

33. Ibid.

از آب رودخانه‌ها نباید به نحوی باشد که موجب وارد شدن زیان و خسارت به دول دیگر گردد. در این ماده اضافه شده است: در صورتی که دولتی با انجام چنین اقداماتی به دولت دیگر خسارت وارد نماید باید غرامت آن را بپردازد.^{۳۴}

● اعلامیه مونت ویدنو ۱۹۳۳:

در این اعلامیه تأکید شده که حق بهره‌برداری از آب رودخانه مشروط بر آن است که موجب وارد شدن خسارت به دولت ساحلی دیگر نشود. در این اعلامیه اضافه شده است: مسیر هیچ رودی را که موجب وارد شدن خسارت به دولتی دیگر گردد نمی‌توان بدون جلب موافقت آن دولت تغییر داد.

این اعلامیه در واقع، اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها را مورد تأیید قرار داده است.

● مؤسسه حقوق بین الملل^{۳۵}:

این مؤسسه از زمان جنگ جهانی دوم تلاشهای گسترده‌ای در جهت تنظیم اصل ممنوعیت انحراف آب رودخانه‌ها به عنوان یک قاعده حقوق بین الملل به عمل آورده است. نتیجه بررسیها و مطالعات مؤسسه مذکور در کنفرانس هلسنکی در اوت ۱۹۶۶ تحت عنوان «مقررات مربوط به بهره‌برداری از رودهای بین‌المللی» مورد تصویب قرار گرفت که به مقررات هلسنکی نیز معروف است. به موجب مقررات مذکور اگر دولتی مسیر رودهای بین‌المللی را به زیان دولتی دیگر تغییر دهد، مسئول کلیه اعمال خود خواهد بود. همچنین اگر دولتی در نظر داشته باشد که طرحهای جدیدی را در رودخانه به‌مورد اجرا گذارد و یا تغییراتی در آن بدهد که به زیان دولتهای دیگر باشد، باید قبلاً با آن دولتها مذاکره

34. Colombos, C.J.: Int'l Law of the Sea, London, 1964, p. 230.

35. Int'l Law Association

کرده، موافقت آنها را جلب نماید. در صورت عدم جلب موافقت دولت دیگر، اقدامات یکجانبه انجام شده توسط دولت مذکور ایجاد هیچگونه حقی برای آن دولت نمی‌کند.^{۳۶}

● شورای امنیت سازمان ملل متحد:

انحراف مسیر رودها در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز مطرح گردیده است. پس از اینکه اسرائیل مسیر آبهای رود اردن را به سوی صحرای «نگوه» تغییر داد، سوریه به شورای امنیت شکایت کرد. شورا در تصمیم مورخ ۱۹۵۳ خود هر چند بصراحت به تغییر مسیر آبهای رود اردن اشاره ای نکرده، اما اقدامات اسرائیل را در ساحل غربی رود اردن محکوم نموده است.

● سایر سازمانها:

همچنین قطعنامهٔ مربوط به اصول حقوقی حاکم بر مصرف آبها و دریاچه‌های بین‌المللی مصوب اتحادیهٔ لنگرگاه‌های داخل امریکا در بوئنوس آیرس در سال ۱۹۵۷ و نیز طرح کنوانسیون مربوط به مصرف صنعتی و کشاورزی رودخانه‌ها و دریاچه‌های بین‌المللی مصوب سازمان کشورهای امریکایی در سال ۱۹۶۵ صراحت دارد که هیچ کشوری حق ندارد به طور یکجانبه به تهیهٔ طرح و اجرای پروژه‌ها بر روی این نوع رودخانه‌ها پردازد و بدون جلب نظر و توافق با سایر دولتهای ذینفع در این مورد اقدامی به عمل آورد مگر اینکه کلیهٔ عواقب ناشی از اجرای اینگونه طرحها را تقبل نمایند، و در این صورت، سایر کشورهای ذینفع هیچگونه تعهد و الزامی نسبت به کشور مذکور نخواهند داشت.^{۳۷}

36. W.E.KenWortly: Joint Development of Int'l Waters, American Journal of Int'l Law, Vol. 24 (1960) pp. 596-602.

۳۷. ادارهٔ کل امور حقوقی و معاهدات وزارت امور خارجه: رژیم حقوقی رودخانه‌های مرزی و بین‌المللی، بهمن ۱۳۶۲، ص ۱۷.

به طور کلی، براساس مقررات و اصول حقوق بین الملل، انحراف جریان آب رودخانه‌ها توسط دولت بالادست رودخانه به زیان دولت پائین دست رودخانه ممنوع است و «هیچ دولتی اجازه ندارد شرایط طبیعی سرزمین خود را به زیان دولت همسایه خود تغییر دهد».^{۳۸}

به موجب مقررات حقوق بین الملل، دولتی که با دولتی دیگر ساحل نشین یک رودخانه است، نسبت به طرحی که ممکن است موجب وارد شدن خسارت و زیان به او گردد، حق و تودارد. چنین دولتی حق دارد با هر تغییری که در وضع موجود در رودخانه^{۳۹} صورت بگیرد، مخالفت کند. یکی از موارد کاربرد این نظریه، در دعوی بین بولیوی و شیلی در مورد رودخانه مامور^{۴۰} در سال ۱۹۲۱ بود.



نظر عراق در مورد تغییر مسیر رودهای بین المللی

از طرف دیگر، موضعی که دولت عراق قبلاً در قبال تغییر مسیر رودهای بین المللی اتخاذ کرده است با اصول و مقررات حقوق بین الملل مطابقت دارد. دولت عراق بارها مخالفت خود را با تغییر مسیر رودهای بین المللی نشان داده است.

دولتین عراق و پاکستان موضوع حقوق رودخانه‌های بین المللی را برای نخستین بار در دستور کار هشتمین اجلاس سالانه کمیته حقوقی مشورتی آسیائی و افریقائی منعقد در بانکوک در سال ۱۹۶۶ قرار دادند.

38. W.E.Hall: Int'l Law, Pearce Higgins, Oxford, 1924, p. 175.

39. statu quo

40. Mamore

دولت عراق ادعا می‌کرد که سوریه و ترکیه با انحراف دو رود دجله و فرات زیانهائی به آن کشور وارد کرده‌اند. پاکستان نیز دولت هند را متهم به تغییر مسیر رود گنگ به سوی کلکته می‌کرد، و در نتیجه، هر دو کشور خواستار تدوین مقررات مربوط به استفاده از آب رودخانه‌های بین‌المللی بودند تا به این طریق کشورهای مذکور را از تغییر مسیر آب رودخانه‌ها و کاهش میزان آب وارده به کشورهای خود باز دارند.

عراق و پاکستان یک بار در سال ۱۹۶۹ به طور جداگانه و یک بار نیز در سال ۱۹۷۰ به اتفاق یکدیگر طرح مشترکی در مورد تدوین نظام حقوقی رودخانه‌های بین‌المللی به کمیته مذکور پیشنهاد کردند که هر دو بار با مخالفت دولت هند روبرو شد و به نتیجه نرسید.

دولت عراق همچنین در سال ۱۹۶۰ دولت ایران را متهم به برگرداندن آب رودخانه‌هایی که از ایران سرچشمه می‌گیرند و وارد خاک عراق می‌شوند، نمود. لازم به یادآوری است که در طول مرز ایران و عراق، از خانه تا رود خین، ۳۳ رود از خاک ایران سرچشمه می‌گیرند و وارد خاک عراق می‌شوند. عراق ادعا کرده بود که ایران مسیر رودهای کنگر، کنجان‌چم و الوند را تغییر داده و با این اقدام خود زیانهائی به آن کشور وارد کرده است. دولت عراق این امر را مغایر با صورتجلسات ۱۹۱۴ و موازین بین‌المللی اعلام کرده بود.

باید اشاره کرد که دولت ایران در همان زمان اعلام داشت که عملی برخلاف مندرجات صورتجلسات کمیسیون تحدید حدود ۱۹۱۴ انجام نداده و به هیچوجه «قصد تضييع حق همسایه خود عراق را نداشته و با توجه به نیازهای خود به آب برای کشاورزی و بهبود سیستم آبیاری، حاضر است کلیه اختلافات موجود بین دو کشور را به نحوی که مورد رضایت دوطرف باشد، حل و فصل نماید».

باید افزود که ایران به هیچوجه مسیر رودهای مذکور را به نحوی که عراق در نظر دارد در مورد اروندرود انجام دهد، تغییر نداده بود. به همین جهت در اینجا هدف مقایسه مسئله رودهای مذکور با طرح عراق

برای تغییر مسیر اروندرود نیست، بلکه بیان مواضع عراق در قبال تغییر مسیر رودهای بین‌المللی است. در این خصوص در کتابی که وزارت امور خارجه عراق تحت عنوان «حقایق درباره مرزهای ایران و عراق» در سال ۱۹۶۰ انتشار داد، آمده است:

«هیچ دولتی بدون عقد قرارداد قانونی خاص و بدون موافقت دول دیگر مشترک در آبهای یک رودخانه بین‌المللی حق ندارد مسیر آن را تغییر دهد یا آبهای آن را به نحوی که نسبت به دول ذی‌علاقه دیگر زیان داشته باشد مورد استفاده قرار دهد.»

«یکی از اموری که به صورت یک قاعده بین‌المللی ثابت و مورد اعتراف درآمده آن است که هیچ دولتی حق ندارد در وضع طبیعی کشور خود تغییری بدهد که نسبت به وضع طبیعی خاک دولت همجوار آن زیان داشته باشد.»

«به موجب این قواعد و اصول بین‌المللی نه تنها دولت‌ها از متوقف نمودن یا تغییر مسیر آب رودخانه‌ای که از خاک آنها می‌گذرد و از مرزهای آنها گذشته، وارد خاک دولت دیگری می‌گردد ممنوع هستند بلکه علاوه بر این از استفاده از آبهای این رودخانه‌ها به نحوی که موجب زیان دولت همجوارشان شود یا مانع استفاده مناسب آن دولت از آبهای آن قسمت از رودخانه که در اراضی آن جریان دارد گردد نیز ممنوع می‌باشند.»

به این ترتیب، دولت عراق مخالفت خود را با تغییر مسیر رودهای بین‌المللی اعلام کرده است. بنابراین دولت عراق نمی‌تواند در قبال طرح تغییر مسیر اروندرود موضعی اتخاذ کند که برخلاف موضع قبلی او باشد. دولت عراق که دولتهای ترکیه، سوریه و ایران را متهم به انحراف آب رودخانه‌های بین‌المللی می‌نماید و این اقدام را برخلاف موازین بین‌المللی می‌داند، قاعدتاً نباید خود به اینگونه اقدامات مبادرت ورزد. ما با این نظر دولت عراق موافقیم که: «کاملاً خلاف منطق است که دولتی در قبال دولتهای دیگر منکر حقی گردد که خود به نظیر آن یا حتی به ضعیف‌تر از آن تشبث می‌جوید».



استناد به وجود وضع ضروری

همچنین استناد دولت عراق به وجود وضع ضروری^{۴۱} برای تغییر مسیر اروندرود از نظر اصول و مقررات حقوق بین الملل قابل قبول نیست. مقامات عراقی بارها اظهار داشته اند که ایران دارای چندین هزار کیلومتر ساحل در خلیج فارس با بنادر آب عمیق و اسکله های فراوان است و به ادعای آنها نیازی به استفاده از اروندرود ندارد. در حالی که بنابر اظهارات آنها اروندرود تنها راه دسترسی عراق به خلیج فارس است و ضروری است که این آبراه هرچه سریع تر لایروبی و برای رفت و آمد کشتیها بازگشائی شود.

همانطور که گفته شد عراق نیاز شدیدی به اروندرود و بازگشائی آن ندارد. تا اوایل دهه ۱۹۶۰ اروندرود از نظر اقتصادی برای عراق سخت حائز اهمیت بود و بندر بصره در اروندرود مهمترین بندر بازرگانی عراق به شمار می رفت؛ اما از اواسط دهه مذکور با توسعه بندر فاو و ایجاد اسکله های البکر و الامیه در خلیج فارس و توسعه بندر ام القصر در غرب اروندرود، بتدریج از اهمیت اقتصادی اروندرود برای عراق کاسته شد. از آن پس نفت عراق به جای بندر بصره از طریق پایانه های بندر فاو به خارج صادر می شد. در پایانه های بندر مذکور نفتکشهایی با ظرفیت ۱۰۰ هزار تن می توانستند پهلو بگیرند، در حالی که در اسکله های بندر

41. state of necessity

بصره کشتیهائی با بیش از ۲۰ هزار تن ظرفیت نمی‌توانستند لنگر بیندازند. از نظر بازرگانی نیز دولت عراق از سال ۱۹۶۷ بندر ام‌القصر را مورد استفاده قرار داد و به این ترتیب، بندر بصره نقش خود را به‌عنوان مهمترین بندر بازرگانی عراق از دست داد و استفاده از اروندرود بیش از پیش کاهش یافت.^{۴۲} در حال حاضر نیز - همانطور که گفته شد - عراق نفت خود را از طریق چند خط لوله صادر می‌کند و بیشتر کالاهای مورد نیاز آن کشور نیز از طریق خاک اردن، ترکیه و کویت وارد می‌شود. بنابراین دولت عراق نیاز شدیدی به اروندرود ندارد و استناد آن کشور به وجود وضع ضروری کاملاً بی‌مورد است.

از طرف دیگر، هدف دولت عراق از طرح لایروبی اروندرود - آن هم در خارج از چارچوب قطعنامه ۵۹۸ - به منظور لطمه زدن به اعتبار عهدنامه ۱۹۷۵ و اشکال‌تراشی در اجرای قطعنامه مذکور است. اگر عراق دست از سیاست ظفره و تعلل خود بردارد، مذاکرات صلح بخوبی پیشرفت خواهد کرد و در نتیجه اروندرود نیز بموقع و در چارچوب مفاد عهدنامه ۱۹۷۵ لایروبی خواهد شد. دولت ایران هم بکرات اعلام نموده است که با لایروبی اروندرود در چارچوب عهدنامه مذکور و در موقع خود هیچگونه مخالفتی ندارد.

علاوه بر آن، حقوق بین‌الملل استناد به وضع ضروری را محدود به شرایطی کرده است:

۱. استناد به وضع ضروری در مواردی قابل قبول است که منافع حیاتی یک کشور مورد تهدید جدی قرار گرفته باشد. به عبارت دیگر، باید خطر به اندازه‌ای مهم و جدی باشد که استناد به وضع ضروری را توجیه نماید.^{۴۳} بسته بودن اروندرود هرگز منافع حیاتی عراق را به‌طور جدی

۴۲. دکتر اصغر جمفری ولدانی: «اهمیت استراتژیکی اروندرود و پیشینه تاریخی آن»،

اقتلاعات سیاسی-اقتصادی، سال اول، شماره ۱۰، ۲۹ تیرماه ۱۳۶۶، ص ۹.

۴۳. باوند: همان مأخذ، ص ۷.

به خطر نینداخته است.

۲. استناد به وضع ضروری به هیچوجه نباید موجب از بین رفتن منافع حیاتی یا منافع مهمتر کشور دیگر شود. بنابراین دولت عراق نمی‌تواند با استناد به حفظ منافع حیاتی خود، منافع حیاتی ایران را به خطر اندازد. به عبارت دیگر، در این مورد باید اصل تناسب^{۴۴} دقیقاً رعایت شود.

۳. توسل به وضع ضروری در مواردی مانند حفظ موجودیت و بقای کشور، حفظ منافع اقتصادی و یا حفظ محیط زیست می‌تواند مطرح گردد. بسته بودن اروندرود به هیچوجه موجودیت و بقای کشور عراق را مورد تهدید قرار نداده است. علاوه بر آن — بطوریکه گفته شد — اروندرود از نظر اقتصادی برای عراق دیگر اهمیت سابق خود را ندارد. بسته بودن اروندرود مانع دسترسی عراق به خلیج فارس نیست. عراق در حال حاضر از طریق خور زبیر و بندر ام‌القصر به خلیج فارس دسترسی دارد و نفت خود را از طریق مذکور و نیز خطوط لوله نفت صادر می‌کند؛ پس بسته بودن اروندرود به هیچوجه به منافع اقتصادی عراق لطمه‌ای جدی وارد نمی‌سازد. همچنین بسته بودن اروندرود تأثیری بر محیط زیست (اکولوژی) نداشته و ندارد. بنابراین دولت عراق نمی‌تواند موارد مذکور را مستندی برای توسل به وضع ضروری قرار دهد.

۴. از همه مهمتر در صورتی که دولت مدعی خود مسبب پیدایش وضع ضروری باشد، امکان استناد به آن وجود ندارد. دولت عراق با لغو عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ و تجاوز به ایران و پی‌آمدهای آن مانند غرق کشتیهای بازرگانی و ناوچه‌های جنگی در اروندرود، خود سبب

پیدایش وضعی که ضروری می‌نامد و عدم استفاده از اروندرود بوده است. ۴۵

● نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد طرح عراق برای تغییر مسیر اروندرود نه تنها مغایر با عهدنامهٔ مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ بین ایران و عراق بلکه ناقض اصول و مقررات حقوق بین‌الملل نیز می‌باشد. به موجب مقررات و اصول حقوق بین‌الملل، طرح مذکور در صورت اجرا برای آن دولت مسئولیت بین‌المللی ایجاد خواهد نمود و دولت عراق مکلف به اعادهٔ وضع اروندرود به حالت سابق آن (قبل از تغییر مسیر) و یا پرداخت غرامت و خسارت به ایران خواهد بود. از طرف دیگر، دولت ایران نیز به موجب مقررات حقوق بین‌الملل می‌تواند برای اعادهٔ وضع کامل اروندرود به حالت سابق آن، دست به انجام اقدامات مناسب بزند. دولت ایران همانطور که تاکنون مواضع مستند و قانونی خود را با قاطعیت حفظ کرده و بر آنها اصرار ورزیده است، باید در صورت طرح این مسئله توسط دولت عراق، در مذاکرات صلح قویاً بر این نکته تأکید کند که هیچگونه تغییری را در خطوط مرزی خود نخواهد پذیرفت و از منافع اساسی خویش به هر نحو دفاع خواهد کرد.^{۴۶}

۴۵. باوند: همان مأخذ، ص ۷ و ۸.

۴۶. روزنامهٔ اطلاعات، ۲۱ مهر ۱۳۶۷.